

A Legal Analysis to the Manner of Directors Board Members' and Executive Manager's Fiduciary Possession of Joint Stock Company's Property

Ahad Gholizadeh
Manghutay*

Associate Professor at the Department of Law, Faculty of Administrative Sciences and Economics, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Abstract

Bill Amending a Part of the Commerce Act 1969 (BACAI) is ambiguous about the manner of directors board members' and executive manager's fiduciary possession of joint stock company's property. Commerce Act in other companies deems manager's possession of company's property as agent's possession of principal's property. But, although agent's possession of principle's property is fiduciary and fault-based, it is unknown whether in case the company's property suffers damages, manager (agent) is responsible unless he proves his innocence (diminished fiduciary possession) or he is not responsible unless the principle proves his fault (intensified fiduciary possession). Besides, in case of any doubt, which kind overrules? Further, dividing responsibility manner among various responsible persons such as directors' board members and executive manager needs some discussion. Dividing fiduciary possession into diminished and intensified is a result derived from amalgamation of stages of truth and established judicial situation, i.e., from amalgamation of civil evidence with commerce law. There are clear signs for it in Commerce Act. This research shows that the Legislature as in the Commerce Act has deemed agent's possession of company's property as diminished fiduciary possession; in the BACAI as well it has not principally changed its mind in respect to directors board members' and executive manager's possession into intensive fiduciary possession but annual audition and financial clearance have disrupted possibility of applying the diminished fiduciary possession. In case responsible persons were more than one, responsibility would be divided proportionally and if there was no reason to the contrary, proportions would be equivalent.

* gholizadeh@ase.ui.ac.ir

How to Cite: Gholizadeh Manghutay, A. (2023). A Legal Analysis to the Manner of Directors Board Members' and Executive Manager's Fiduciary Possession of Joint Stock Company's Property. *Private Law Research*, 12(45), 119-148. doi: 10.22054/jplr.2024.69379.2704

Obviously, determining manner of board members and executive manager's possession can respond to a variety of issues about manner of their responsibility. Separation of fiduciary possession into diminished and intensified and setting the diminished fiduciary possession as principle is also helpful in this case, and in the first step, it determines that board members or executive manager are plaintiff or respondent of the lawsuit. Obviously, intensified possession in which responsibility continues to be based on fault should not be confused with guarantors possession in which liability is not based on fault. Although fiduciary possession can be converted into guarantors possession, and moment of this conversion can be determined by resorting to the principle of the lateness of the event. Diminished fiduciary possession, including customer's possession, mortgagee's possession and tenant's possession may also become intensified due to unwanted staying of property at the possession of fiduciary; As we can see in the non-delivery of the cargo from the transport operator, the non-appointment of the successors of the board members with the expiration of their term of office, or in exercising the right of bailment of the transport operator. In fact, just knowing that the responsibility of board members and executive managers is based on fault has not been enough to respond to the relevant issues.


The legislator considers fiduciary possession of an attorney (or representative) to be a diminished fiduciary possession, i.e. the attorney is liable for the property he has been entrusted with unless he proves his innocence. Therefore, Commerce Act too considers the manager's possession on the properties of different types of companies, including limited liability, general partnership, limited partnership, joint stock partnership, and proportional liability partnership as diminished fiduciary possession. In the 1968 amendment bill and the Cooperative Sector Act, despite the inconsistencies in the amendment bill, the legislature has not promoted its view on the members of the board of directors and the executive manager's possession to intensified fiduciary possession but annual audits and account clearances have impaired the possibility of applying diminished fiduciary possession. In such a way that after auditing and approving the balance sheet and profit and loss account for each year, for that year possession is considered as intensified fiduciary for the board of directors and executive manager, that is, they are assumed to be clean for that year unless their dishonesty and culpability are proved. This can also be extended to the companies contained in the Commerce Act. In the event of a multiplicity of responsible persons, responsibility will be proportional and in the absence of the opposite reason, proportions would be equal.

Keywords: Directors' Board Members, Executive Manager, Possession, Diminished Fiduciary Possession, Intensified Fiduciary Possessio.



تحلیل حقوقی چگونگی ید امانی اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل بر اموال شرکت سهامی

دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

احد قلی زاده منقوطای *  ID

چکیده

لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ در باره چگونگی ید اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل بر اموال شرکت سهامی به طور مبهم نظر داده است. قانون تجارت در سایر شرکت‌ها ید مدیر بر اموال شرکت را ید وکیل بر اموال موکل می‌داند، اما گرچه ید وکیل بر اموال موکل امانی و مسئولیت وکیل مبتنی بر تقصیر است، معلوم نیست که در صورت وقوع خسارت به اموال شرکت، مدیر (وکیل) مسئول است، مگر اینکه بی‌تقصیری خود را ثابت کند (ید امانی خفیف) یا مدیر (وکیل) مسئول نیست، مگر اینکه موکل مقصربودن او را ثابت نماید (ید امانی شدید). ضمناً در مقام شک معلوم نیست اصل بر کدام است؟ نحوه تقسیم مسئولیت در میان مسئولان متعدد، نظیر اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هم جای بحث دارد. تقسیم ید امانی به خفیف و شدید نتیجه‌ای است که از تلفیق مراحل ثبوت و اثبات و به عبارتی از تلفیق ادله اثبات دعوا با حقوق تجارت حاصل می‌شود و نشانه‌های آشکاری برای آن در قانون تجارت وجود دارد. تحقیقاً قانون‌گذار همان‌گونه که در قانون تجارت ید مدیر بر اموال شرکت را ید امانی خفیف تلقی می‌کرده در لایحه قانونی اصلاحی ۱۳۴۷ نیز اصولاً نظر خود را در باره ید اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل به ید امانی شدید ارتقاء نداده، ولی حسابرسی و مفاسد حساب سالیانه امکان اعمال ید امانی خفیف را مختل نموده است. در صورت تعدد مسئولان، مسئولیت به صورت نسبی و با نبود دلیل مخالف، آن نسبت به طور مساوی خواهد بود.

واژگان کلیدی: هیئت مدیره، مدیرعامل، ید، ید امانی شدید، ید امانی خفیف.

مقدمه

نظر لایحه قانونی اصلاح قانون تجارت ۱۳۴۷ درباره چگونگی ید اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل بر اموال شرکت سهامی مبهم است. قانون تجارت در سایر شرکت‌ها ید مدیر بر اموال شرکت را ید وکیل بر اموال موکل می‌داند، اما گرچه ید وکیل بر اموال موکل امانی و مسئولیت وکیل مبتنی بر تقصیر است، معلوم نیست که در صورت وقوع خسارت به اموال شرکت، مدیر (وکیل) مسئول است، مگر اینکه بی‌تقصیری خود را ثابت کند (ید امانی خفیف) یا اینکه مدیر (وکیل) مسئول نیست، مگر اینکه موکل مقصربودن او را ثابت کند (ید امانی شدید). ضمناً در مقام شک معلوم نیست اصل بر کدام است. نحوه تقسیم مسئولیت در میان مسئولان متعدد نظیر اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل هم جای بحث دارد. تقسیم ید امانی به خفیف و شدید نتیجه‌ای است که از تلفیق مراحل ثبوت و اثبات و به عبارتی از تلفیق ادله اثبات دعوا با حقوق تجارت حاصل می‌شود و نشانه‌های آشکاری برای آن در قانون تجارت وجود دارد.

این تحلیل تحقیقی توصیفی فرضیه‌محور است و با فرض تقسیم ید امانی به خفیف و شدید در صدد رفع ابهام مدنظر آن است. برای این منظور، ابهام در تعیین چگونگی ید اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل بر اموال شرکت در لایحه قانونی اصلاحی ۱۳۴۷ و ید مدیر به‌عنوان ید وکیل در قانون تجارت مورد بحث قرار گرفته، سپس اصل و استثناء در میان ید امانی خفیف و شدید تعیین می‌گردد. در نهایت نحوه تقسیم مسئولیت در میان مسئولان متعدد مشخص شده، ید امانی مدیران و مدیرعامل با انواع ید امانی تطبیق داده می‌شود.

۱. ابهام در تعیین چگونگی ید اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل بر اموال شرکت

در لایحه قانونی اصلاحی ۱۳۴۷

بیان مصادیق تقصیر، باطل قلمداد کردن معامله و اعلام نیاز به مفاصاحساب مجمع عمومی روش‌های قانون‌گذار برای طرح مسئله چگونگی ید اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل بر اموال شرکت بوده است. البته تنها چگونگی ید نیست که چگونگی مسئولیت اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل را تعیین می‌کند؛ برای مثال اگر شرکت در سال مالی معینی ضرر نکرده، ولی

سود قابل تقسیم هم نداشته باشد، مسئولیتی از نظر تلف یا نقصان اموال شرکت مطرح نخواهد بود و به‌نحو اخص موضوع به ید مربوط نمی‌شود، ولی چون سود قابل تقسیم در واقع برآیند کسر هزینه‌ها، ذخیره‌ها، استهلاک‌ها، اندوخته‌ها، زیان‌های سالهای مالی قبل و پاداش مدیران است، چه‌بسا تصرف ناصحیح اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل در آن موارد منجر به نبودن یا ناچیزبودن سود قابل تقسیم شده باشد که باز به مسئله ید مربوط خواهد بود.

۱-۱. بیان مصادیق تقصیر

لایحه قانونی اصلاحی ۱۳۴۷ به‌جای اینکه چگونگی ید را بیان کند، موارد مسئولیت را بیان کرده است. مثلاً آن لایحه قانونی کسانی (از جمله اعضای هیئت‌مدیره یا مدیرعاملی) که گواهینامه موقت سهام یا اوراق سهام را قبل از ثبت شرکت امضا و صادر کرده باشند، مسئول خسارات ناشی از صدور بی‌موقع آن اوراق تلقی می‌نماید؛ همچنین عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعاملی که با شرکت معامله کرده باشد و اعضای هیئت‌مدیره تصویب‌کننده آن معامله را در صورت عدم تصویب آن معامله توسط مجمع عمومی، مسئول خسارات شرکت و اشخاص ثالث تلقی می‌کند. علاوه بر آن، عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعاملی که با سوءاستفاده از اطلاعات نهانی شرکت اقدام به رقابت با آن نموده باشد را مسئول خسارات ناشی از آن رقابت می‌داند، اعم از اینکه آن ضرر از مقوله خسارت باشد یا تقویت منفعت؛ دیگر اینکه، عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعاملی که مقررات قانونی، مفاد اساسنامه، یا مصوبات مجمع عمومی را رعایت نکرده باشند مسئول خسارات شرکت و اشخاص ثالث به حساب می‌آورد.

در واقع، در این موارد آنگونه که بعضی^۱ نیز ابراز نموده‌اند، مطابق قواعد عمومی، آنگونه که در کامن‌لا^۲ نیز معمول است، اصل بر مسئولیت مبتنی بر تقصیر^۳ است و مقررات مربوطه مواردی از تقصیر را بیان کرده‌اند؛ بدین نحو که امضا و صدور بی‌موقع گواهینامه موقت سهام یا ورقه سهام؛ معامله با شرکت و تصویب آن در هیئت‌مدیره بدون تصویب مجمع

۱. ستوده تهرانی، حسن. حقوق تجارت. جلد ۲. (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷). ص ۱۶۸.

2. Watt, Gary. *Trusts & Equity*. (Italy: Oxford University Press, 2013). p. 477.

3. Fault-based responsibility

عمومی؛ رقابت با شرکت با سوءاستفاده از اطلاعات نهانی و زیرپا گذاشتن مقررات قانونی، مفاد اساسنامه یا مصوبات مجامع عمومی را از مصادیق تقصیر قلمداد نموده‌اند.

در مواردی هیئت‌مدیره یا مدیرعامل قصور می‌کند، مثلاً رئیس هیئت‌مدیره یا تعداد کافی از اعضای آن هیئت، اقدام به دعوت مجمع عمومی جهت تصمیم‌گیری در موارد ضروری، نظیر تقلیل سرمایه به کمتر از نصف آن، نمی‌کند یا در موارد پیش‌بینی‌شده در قانون یا اساسنامه، هیئت‌مدیره اقدام به انجام وظیفه، نظیر مطالبه به موقع مبالغ تعهدشده سهام، یا ارائه گزارش نمی‌کند. در این‌گونه موارد، کوتاهی هیئت‌مدیره یا رئیس آن با توجه به نص قانونی محرز است. در مواردی عدم انجام وظیفه توسط هیئت‌مدیره ممکن است نه تنها موجب خسارات برای شرکت، بلکه منجر به خسارت اشخاص ثالث گردد، نظیر اینکه هیئت‌مدیره بعد از پذیره‌نویسی افزایش سهام، اقدام به احراز انجام پذیره‌نویسی ننموده یا در تعیین سهام پذیره‌نویسان تأخیر نماید و چه بسا تأخیر مزبور به حدی برسد که منجر به عدم ثبت افزایش سرمایه گردد.

علاوه بر موارد فوق، مقررات جزائی مندرج در لایحه قانونی راجع به جرایم اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل حاوی موارد متعددی از تقصیرها و قصورها در این باره است.

۱-۲. باطل قلمداد کردن معامله عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعامل

قانون‌گذار در مواردی روشن‌گری کمتری داشته است. برای نمونه، اخذ وام، اعتبار یا ضمانت از شرکت را باطل قلمداد نموده بدون اینکه مشخص کند که اگر این موارد منجر به خسارت شد تکلیف چیست یا تکلیف وام، اعتبار، یا ضمانت اخذشده چه خواهد بود. درباره سؤال اول به نظر می‌رسد نه تنها عضو هیئت‌مدیره یا مدیرعاملی که از شرکت وام، اعتبار، یا ضمانت اخذ نموده، بلکه مدیرعاملی که آن وام، اعتبار، یا ضمانت را از طرف شرکت داده همچنین هیئت‌مدیره‌ای که آن را تصویب کرده مسئول خواهند بود. درباره سؤال دوم، در نگاه اول به نظر می‌رسد اگر عین وام در اختیار اوست باید آن را برگرداند و اگر عین مزبور به دین بدل گردیده باشد، بازگرداندن آن بر ذمه او قرار می‌گیرد. مطابق عموماً مربوطه، معاملاتی هم که با این مال انجام شده، فضولی بوده و تنفیذ آنها با شرکت خواهد بود و در صورت عدم

تنفید، شخصی که این مال در اختیار او قرار گرفته باید عین یا معادل آن را برگرداند. درباره اعتبار، موضوع کمی فرق می‌کند؛ زیرا اعتبار به طلبکاران شخص داده می‌شود، در حالی که وام به خود او؛ بنابراین با باطل شدن اعطای اعتبار، اگر اعتبار مزبور هزینه نشده باشد در واقع مال از اختیار شرکت خارج نشده، پس خسارتی هم مطرح نیست، اما اگر اعتبار هزینه شده باشد، به مقدار هزینه شده عین آن در صورت عینی بودن و معادل آن در صورت دینی بودن قابل استرداد خواهد بود. بدیهی است بابت تأخیری که در استرداد از سوی گیرنده اتفاق بیافتد شرکت مستحق دریافت خسارت تأخیر تأدیه نیز خواهد بود. البته گرچه در اینجا دست‌اندرکاران دادن اعتبار (مدیرعامل و هیئت‌مدیره تصویب‌کننده آن) نیز در مقابل شرکت مسئول هستند و مسئولیت کسی هم که اعتبار به نفع او افتتاح شده در اینجا در مقابل شرکت، ضمیمه مسئولیت گیرنده اعتبار و دست‌اندرکاران فوق می‌شود، ولی واقعیت آن است که دست‌اندرکاران فوق در مقابل گیرنده اعتبار بی‌اطلاع از بطلان آن از باب قاعده غرور مسئول خواهند بود. درباره ضمانت بدهی اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل هم با ازهم‌گسیختن ضمانت، به‌همین ترتیب مضمون‌له حق مراجعه به دست‌اندرکاران مزبور بابت خسارات ناشی از بطلان ضمانت را خواهد داشت.

۱-۳. نیاز به مفصلاً حساب مجمع عمومی

در موردی مطابق قانون از اعضای هیئت‌مدیره سهام وثیقه مطالبه و دریافت می‌شود تا تضمینی برای جبران خسارات ناشی از عملکرد آنها در دوره تصدی‌شان باشد و بازگرداندن آن سهام به اعضای هیئت‌مدیره را منوط به گرفتن مفصلاً حساب برای همه سالهای مالی دوره تصدی و در واقع منوط به تصویب شدن ترازنامه و حساب سود و زیان آن سال‌ها می‌داند. وقتی ترازنامه و حساب سود و زیان تصویب نمی‌شود و اصلاحاتی که توسط هیئت‌مدیره صورت می‌گیرد هم مجمع عمومی را قانع نمی‌کند، چاره‌ای جز مراجعه به دادگاه باقی نمی‌ماند. ولی در این مورد معلوم نیست که اصل بر مقصر بودن اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل است، مگر اینکه آنها بی‌تقصیری خود را ثابت کنند یا اینکه اصل بر مقصر نبودن آنهاست، مگر اینکه تقصیر

آنها ثابت شود. اینکه هم سهام وثیقه در اختیار مجمع عمومی است و هم تصویب کردن یا نکردن ترازنامه و حساب سود و زیان با مجمع عمومی است وضعیت خاصی را ایجاد می‌کند. ممکن است شرکت سهامی عام بوده و حسابدار رسمی مطابق با واقع بودن حساب‌ها را تصدیق کرده باشد، ولی اعتراض مجمع به این باشد که هیئت‌مدیره قسمتی از دارایی شرکت را در موردی خرج کرده که مجمع عمومی با مصوبه به هیئت‌مدیره دستور داده بوده که خرجی در آن موارد نشود؛ مثلاً مجمع عمومی مصوب کرده بوده که هیچ استخدامی صورت نگیرد در حالی که هیئت‌مدیره دستور استخدام چند نفر را به مدیرعامل داده و آن افراد با درج مدت مثلاً برای ده سال استخدام شده‌اند. در اینجا وقتی مجمع عمومی موضوع را در دادگاه مطرح می‌کند، مسئله این است که اصل بر مقصر بودن اعضای هیئت‌مدیره یا مدیرعامل است یا اصل بر مقصر نبودن ایشان است. در واقع در طرح موضوع در دادگاه نیاز به تعیین مدعی و مدعی علیه وجود دارد. این مطلب مخصوصاً وقتی بغرنج می‌شود که ترازنامه و حساب سود و زیان در سال مالی مورد نظر ضرر نشان دهند. مسلماً همیشه ضرر ناشی از سوءعملکرد هیئت‌مدیره و مدیرعامل نیست و چه بسا علت ضرر تکان‌های اقتصادی شدید در جامعه باشد. اعم از اینکه خسارت مورد ادعا کمتر از ارزش سهام وثیقه هر مدیر یا بیشتر از آن باشد مجمع عمومی جهت فروش سهام وثیقه چاره‌ای جز پیروی از مقررات عام راجع به وصول خسارت یا طلب از محل مال مورد وثیقه و مراجعه به دادگاه جهت دریافت حکم نخواهد داشت. البته هر یک از مدیران ذی‌نفع نیز ممکن است وقتی با بی‌توجهی مجمع روبه‌رو می‌شوند، اقدام به اقامه دعوا نمایند. با این حال اینکه چه کسی اقامه دعوا کرده، ملاکی برای تعیین مدعی از مدعی علیه نخواهد بود.

۲. ید مدیر به عنوان ید وکیل در قانون تجارت

مقررات لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ نیز مانند مقررات قانون تجارت، اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت را نماینده شرکت تلقی می‌کند. در نتیجه آنگونه که دیگران^۱ هم ابراز

۱. عیسی تفرشی، محمد. مباحث تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. جلد ۱. (تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸). ص ۱۴۰.

نموده‌اند تردیدی در امانی بودن ید اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل بر اموال شرکت نیست ولی با سوابقی که در قانون تجارت وجود دارد، ید امانی به‌دو دسته تقسیم می‌شود که نگارنده آن دو را به خفیف و شدید نامیده است.

۲-۱. ید امانی خفیف

قانون تجارت در مواردی امین را مسئول خسارات وارده به مال مورد امانت می‌داند، مگر اینکه شخص امین بی‌تقصیری خود را ثابت نماید. در اینجا تقصیر در مفهوم اعم به کار رفته و شامل هر دو ی قصور و تقصیر است. برای نمونه گرچه اشیا و اسناد معامله‌کنندگان با میل و رضایت آنها جهت پیدا کردن طرف یا ترتیب دادن معامله در اختیار دلال قرار می‌گیرد و تردیدی در امانی بودن ید دلال نیست، قانون تجارت دلال را مسئول تمام اشیا و اسنادی که در ضمن معاملات به او داده شده است می‌داند، مگر اینکه او ثابت نماید که ضایع یا تلف شدن اشیا یا اسناد مزبور مربوط به شخص او نبوده است. مشابه این وضعیت در مورد ید متصدی حمل و نقل وجود دارد. یعنی متصدی حمل و نقل آنگونه که دیگران^۱ هم ابراز نموده‌اند، اصولاً مسئول تلف یا گم شدن محموله است، مگر اینکه ثابت نماید تلف یا گم شدن تقصیر او نبوده؛ یعنی برای مثال تقصیر ارسال‌کننده یا مرسل‌الیه یا ناشی از حوادث خارج از اراده او بوده است. در حمل و نقل بین‌المللی هم استفاده کلی از این قاعده به‌طور گسترده مشاهده می‌شود.^۲

قانون دریایی ایران نیز در مورد حمل و نقل مسافر، به‌طور محدود همین قاعده را پذیرفته است.^۳ به‌هر حال، در حمل مسافر اساساً جان شخص است که به متصدی سپرده می‌شود تا

۱. عرفانی، محمود. حقوق تجارت (اعمال تجارتي، تجار، دفاتر تجارتي، قراردادهای تجارتي، برات، سفته، چک). جلد

۱. (تهران: ماجد، ۱۳۶۹). ص ۱۴۸.

۲. طارم‌سری، مسعود. حقوق بازرگانی بین‌المللی. (تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۷). ص ۱۶۴ و ایزانلو، محسن، و افروز صمدی. «مبنای مسئولیت متصدی حمل و نقل در حقوق ایران و کنوانسیون‌های بین‌المللی (س ام آر - ورسو)». پژوهشنامه حمل و نقل ۱۰، شماره ۴ (۱۳۹۲): ۳۹۱-۴۰۰، ص ۳۹۸.

۳. اندرز، داوود، مهدی منتظر، و فرزاد مسعودی. «مسئولیت متصدی حمل و نقل دریایی در قبال مسافر در حقوق ایران (با مطالعه تطبیقی)». دانش حقوق مدنی (۱۳۹۱): ۷۵-۸۳، ص ۸۲.

مال او. با مطرح شدن ید بر جان، این بحث آنگونه که در کامن‌لا^۱ معمول است در سایر موارد نظیر پزشکی نیز مورد استفاده خواهد بود مخصوصاً وقتی که بیمار را بیهوش می‌کنند و او کاملاً در اختیار کادر درمانی برای مثال مورد جراحی قرار می‌گیرد. مسلماً نباید انتظار داشت که شخصی تنها و دردمند بتواند در مقابل مجموعه متحد کادر درمانی که نظام پزشکی هم از آن‌ها حمایت می‌کند، تقصیر مجموعه یا افرادی از آن کادر را اثبات کند، بلکه وقتی صدمه‌ای به بیمار رسیده آنان باید اثبات کنند که تقصیر نکرده‌اند.

همچنین به نظر بعضی^۲ قانون هواپیمایی کشوری ۱۳۲۸ نیز در مورد متصدی حمل و نقل هوایی متضمن همین قاعده است. در نتیجه علی‌رغم نظر بعضی^۳ در صورت وقوع خسارت، ارسال‌کننده یا مرس‌الیه ملزم به اثبات تقصیر متصدی حمل و نقل نخواهد بود. این حالت را بعضی^۴ «اصل مسئولیت»، بعضی^۵ «مسئولیت محض» و بعضی دیگر^۶ «نوعی تعهد به نتیجه» نام نهاده‌اند. در کامن‌لا^۷ نیز این حالت «مسئولیت محض»^۸ تلقی شده است. تصویب‌نامه مربوط به تأسیس انبارهای عمومی هم همین رویه را اتخاذ کرده است؛ یعنی انبار عمومی را مسئول خسارت وارده به کالای انبارشده می‌داند، مگر اینکه معلوم شود خسارت ناشی از خود کالا، نقص بسته‌بندی یا قوه قاهره بوده است.

مسلماً این امر به معنی ضمانتی بودن ید دلال نیست، چون صاحب ید ضمانتی اعم از اینکه تقصیر کرده یا نکرده باشد، مسئول است و طرف مقابل او نیازی به اثبات تقصیر او ندارد و او

1. litman, Moe M. "Fiduciary Law and For-Profit and Not-For-Profit Health Care." In *Health Care Reform and the Law in Canada*, by Timothy A. Caulfield and Barbara von Tigerstorm, 85-131. (Alberta: The University of Alberta Press, 2002). p. 92

۲. بادینی، حسن. «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی غیرقراردادی متصدی حمل و نقل هوایی». فصلنامه حقوق ۴۰، شماره ۳ (۱۳۸۹): ۵۷-۸۶، ص ۶۵.

۳. ستوده تهرانی، حسن. حقوق تجارت. جلد ۴. (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۰). ص ۷۷.

۴. زنگنه، عبدالحمید اعظمی. حقوق بازرگانی. (تهران: بی‌نام، ۱۳۵۳). ص ۳۰۸ و کاتبی، حسینقلی. حقوق تجارت. (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵). ص ۲۵۷.

۵. بادینی، همان.

۶. کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادها، اجرای قرارداد. جلد ۴. (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷). ص ۱۷۳.

7. Dorfman, Avihay. "On Trust and Transubstantiation: Mitigating the Excess of Ownership." In *Philosophical Foundations of Fiduciary Law*, by Andrew S. Gold and Paul B. Miller, 339-363. (Oxford: Oxford University Press, 2014). p. 358

8. Strict responsibility

هم با اثبات بی‌تقصیری خود از مسئولیت مبرا نخواهد شد. در تکمیل این وضعیت، قانون‌گذار گاهی آنگونه که دیگران^۱ هم ابراز نموده‌اند فرض تقصیر می‌کند. مثلاً دلالتی را که با وجود سهمیم یا منتفع بودن در نفس معامله این موضوع را به معامله‌کنندگان اطلاع نداده است را مسئول خسارات ناشی از این قصور تلقی می‌کند.

البته قانون‌گذار در مواردی حتی در باره بقا یا انتفای خود ید امانی تردید ایجاد می‌کند. بدین ترتیب که در جایی مقرر می‌دارد اگر دلال برخلاف وظیفه خود نسبت به کسی که به او مأموریت داده به نفع طرف دیگر معامله اقدام نماید و یا برخلاف عرف تجارته محل، از طرف مزبور وجهی دریافت و یا وعده وجهی را قبول کند، مستحق اجرت و مخارجی که کرده نخواهد بود. به علاوه محکوم به مجازات مقرر برای خیانت در امانت خواهد شد. بدیهی است در مقام شک، اصل بر بقای ید امانی است؛ در نتیجه از دست دادن استحقاق دریافت اجرت و مخارج برای منتفی فرض شدن ید امانی کفایت نمی‌کند، ولی اینکه چنین شخصی به مجازات خیانت در امانت محکوم می‌شود، چاره‌ای از اینکه فرض شود وصف امانت کنار رفته است باقی نمی‌گذارد. در این صورت انتفای وصف امانت از لحظه‌ای خواهد بود که دلال به نفع طرف دیگر اقدام کرده یا برخلاف عرف تجارته از طرف دیگر وجهی دریافت کرده یا وعده وجهی را قبول کرده باشد. در صورت شک در تاریخ هر یک از این اقدامات، بر اساس اصل تأخر حادث، چنین فرض می‌شود که انتفای ید امانی در اخیرترین هنگام اتفاق افتاده و در نتیجه برای مثال اگر مال مورد معامله در ید دلال تلف شده باشد و ندانیم که در هنگام تلف ید دلال امانی بوده یا به ضمانتی تبدیل شده بوده است، اصل بر آن خواهد بود که ید دلال در آن زمان امانی بوده، مگر اینکه ضمانتی شدن آن ثابت شود.

۲-۲. ید امانی شدید

در مواردی ید متصرف امانی است، چون مال را با رضایت صاحب آن متصرف شده است ولی امکان تحویل آن به صاحب مال یا قائم مقام او را ندارد، پس مال ناخواسته در اختیار او می‌ماند؛ مثلاً متصدی حمل و نقلی که محموله را به مقصد رسانیده، مرسل‌الیه را نمی‌یابد تا

محموله را به او تحویل دهد یا مرسل‌الیه از دریافت محموله خودداری می‌کند. در این صورت تردیدی در بقای ید امانی متصدی نیست، ولی این سؤال ایجاد می‌شود که در این اوضاع و احوال، در صورت تلف یا ناقص شدن محموله، آیا او باید بی‌تقصیری خود را ثابت نماید یا اینکه با توجه به وضعیت جدید و مجبور شدن متصدی به نگه داشتن محموله در نزد خود تغییراتی در چگونگی مسئولیت او فراهم می‌آید. دقت در مفاد مقررات مربوطه نشان می‌دهد در این وضعیت، ید امانی تشدید شده به ید امانی شدید مبدل می‌شود، چون اگر محموله در این شرایط جدید تلف یا ناقص شود هر گونه تلف و نقص بر عهده ارسال کننده خواهد بود. یعنی اگر محموله تلف یا ناقص شود، متصدی مزبور مسئول نیست مگر اینکه تقصیر یا قصور او ثابت شود. قانون‌گذار در این مورد عدم اطلاع فوری وضعیت به ارسال کننده و عدم اقدام به فروش محموله سریع الفساد را به عنوان مواردی از قصور متصدی حمل و نقل ذکر کرده است. در این مورد، ممکن است متصدی محموله را در نزد شخص دیگری امانت گذارد. ید آن شخص جدید نسبت به محموله ید امانی خفیف خواهد بود چون او مال را بالاجبار در نزد خود نگه نمی‌دارد.

مشابه این وضعیت تصرف ناخواسته را در ادامه تصدی اعضای هیئت مدیره بعد از تمام شدن مدت عضویتشان تا انتخاب شدن جانشین برای آنها در اموال شرکت ملاحظه می‌کنیم.

البته معمولاً شرکت‌ها یا اشخاصی حقیقی به عنوان متصدی حمل و نقل محموله را می‌پذیرند ولی خودشان حمل و نقل را انجام نمی‌دهند، بلکه آن را به دیگری برای نمونه به راننده کامیون می‌سپارند. در اینجا آنگونه که دیگران^۱ هم ابراز نموده‌اند، گرچه در مفهوم اعم هم شرکت یا شخص حقیقی گفته شده و هم راننده متصدی حمل و نقل هستند ولی در مفهوم اخص این راننده است که متصدی حمل و نقل محسوب می‌شود. با این حال، اگر مرسل‌الیه در مقصد در دسترس نباشد یا محموله را تحویل نگیرد، نه تنها ید راننده بلکه ید شرکت یا شخص حقیقی مزبور نیز به امانی شدید بدل می‌شود.

۱. کاتبی، همان، ص ۲۶۰؛ عرفانی، همان، ص ۱۴۸ و سماواتی، حشمت‌الله. حقوق تجارت. جلد ۱. (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸). ص ۹۵.

در مواردی گرچه مرسل‌الیه حاضر به دریافت محموله است، ولی حاضر به پرداخت مخارج و سایر مطالبات متصدی حمل و نقل نیست. در اینجا از سویی متصدی محموله را بالاجبار و از سوی دیگر بالاخ‌تیار در نزد خود نگه می‌دارد. در نتیجه، تردید ایجاد می‌شود که در اینجا وضعیت ید متصدی مزبور چگونه خواهد بود. بالاخ‌تیار نگه‌داشتن محموله در نزد خود علی‌رغم مطالبه متصدی و دستور ارسال‌کننده به تحویل کالا می‌تواند منجر به ید ضمانی شود، در حالی که بالاجبار نگه‌داشتن آن نه تنها موجب تداوم بقای ید امانی می‌شود بلکه آن را تشدید می‌نماید. قانون‌گذار در مقام رفع این ابهام، نگه‌داشتن محموله در نزد خود توسط متصدی حمل و نقل جهت دریافت مخارج و سایر مطالبات مربوطه خود را حقّ حبس قلمداد نموده و در نتیجه چنین فرض کرده است که متصدی حمل و نقل در این مورد ناخواسته و صرفاً به خاطر وصول مطالبات خود محموله را در نزد خود نگه‌داشته؛ بنابراین ید او را در این مورد نیز ید امانی شدید فرض نموده است. این حقّ حبس و ید امانی شدید هم برای راننده‌ای که در فوق گفته شد و هم برای شرکت یا شخص حقیقی متصدی حمل و نقل در مفهوم اعم خواهد بود. البته مرسل‌الیه می‌تواند با تودیع مبلغ متنازع‌فیه در صندوق دادگستری این حربه را خنثی و متصدی حمل و نقل گرفته را وادار به تحویل محموله نماید.

۳. تعیین اصل و استثنا در میان ید امانی خفیف و شدید

قانون تجارت، دلال، حق‌العمل‌کار، متصدی حمل و نقل، قائم‌مقام تجار‌تی و مدیر شرکت را اصولاً در حکم وکیل دانسته است. لایحه اصلاحی همچنین قانون بخش تعاونی نیز اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل را نماینده شرکت می‌دانند، پس آنها هم آنگونه که دیگران^۱ هم ابراز نموده‌اند و علی‌رغم نظر بعضی^۲ اصولاً در حکم وکیل و در نتیجه آنگونه که بعضی^۳

۱. اسکینی، ربیعا، و الهام‌الدین شریفی. «تحلیل اختیارات مدیران شرکت‌های سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظام‌های حقوقی ایران و انگلیس». مدرس ۴، شماره ۴ (۱۳۷۹): ۱-۱۵، ص ۱۴ و کاویانی، کورش. حقوق شرکت‌های تجار‌تی. (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶). ص ۱۶۳.

۲. خزاعی، حسین. حقوق تجارت - شرکت‌های تجار‌تی - تطبیق اجمالی با لایحه اصلاحی ۱۳۸۴. جلد ۲. (تهران: نشر قانون، ۱۳۸۵). ص ۲۱۰.

۳. پاسبان، محمدرضا. (۱۴۰۱) حقوق شرکت‌های تجار‌تی. (تهران: سمت، ۱۳۸۵). ص ۱۷۵.

نیز ابراز نموده‌اند و در کامن‌لا نیز معمول است^۱ امین شرکت هستند. با این حال، موضع قانون‌گذار در مورد شدید یا خفیف بودن ید امانی و کیل در مقررات اصلی و کالت مشخص نیست. گرچه قانون‌گذار در مباحث دلالی و تصدی به حمل و نقل چگونگی ید امانی را مشخص نموده ولی معلوم نکرده که این موارد نسبت به چگونگی ید امانی و کیل اصولی هستند یا استثنایی. چه بسا قانون‌گذار با تبیین موضوع در مباحث دلالی و تصدی به حمل و نقل در واقع در مقام روشن کردن موضوع و همچنین تفکیک اصل از استثنا بوده است.

ید و کیل در قانون مدنی امانی و مبتنی بر تقصیر است. موارد نادری از قصور و تقصیر و کیل در قانون مشخص شده است؛ مانند اینکه وکیل باید مصلحت موکل را مراعات کند، یا نمی‌تواند به دیگری وکالت بدهد؛ بنابراین سؤالی مهم مطرح می‌شود که آیا ید امانی و کیل اصولاً خفیف است یا شدید؟ اگر ید امانی وکیل شدید باشد، در صورتی که برای مثال مال سپرده‌شده به وکیل تلف یا ناقص شود موکل است که باید ثابت کند وکیل در تلف یا ناقص شدن مال مزبور تقصیر کرده است حتی چه بسا در مقام اثبات ادعای خود، او نتواند وکیل را سوگند دهد، چون وکیل امین است و صرف اظهار او مبنی بر اینکه تقصیری مرتکب نشده کفایت خواهد کرد و قسم‌دادن او چه بسا خلاف صفت امانت او باشد؛ بنابراین بازخواست کردن شخص وکیل با فرض شدیدبودن ید امانی او در واقع بی‌مورد است.

قانون‌گذار برخلاف حالت فوق اجازه می‌دهد که از وکیل بازخواست شود و وکیل را مانند کسی که اموال غایب یا محجور و امثال آنها را بدون اجازه مالک یا کسی که حق اجازه دارد در صورتی که تحصیل اجازه در موقع مقدور بوده یا تأخیر در دخالت موجب ضرر نبوده است اداره کند، موظف می‌کند که «حساب مدت وکالت خود را به موکل بدهد». این جمله قانون‌گذار و نادر بودن مواردی از مصادیق قصور و تقصیر که درباره وکیل بیان گردیده، می‌تواند دلیلی بر این امر باشد که قانون‌گذار ید وکیل را ید امانی خفیف می‌داند، نه ید امانی شدید. با امانی خفیف تلقی شدن ید وکیل، او با تلف یا ناقص شدن مال سپرده شده به او نه تنها در مظان اتهام قرار می‌گیرد، بلکه اوست که باید ثابت کند تقصیری مرتکب

1. Richardson, Benjamin J. Fiduciary Law and Responsible Investing in Nature's Trust. (New York: Routledge, 2013). p. 110.

نشده یا تلف یا نقص ناشی از تقصیر او نبوده است. به عبارت بعضی^۱ در این مورد مسئولیت مبتنی بر اماره تقصیر است.

ممکن است بعضی طرح این مساله را اساساً بیهوده تلقی کنند و اظهار نمایند که اصل بر عدم تقصیر است، پس همیشه این موکل است که باید مقصر بودن و کیل را اثبات نماید. ولی دقت بیشتر ناکافی بودن این استدلال را ثابت می‌کند، چون برای مثال موکل شمش طلایی را برای فروش به وکیل سپرده است، وکیل یک روز بعد اعلام می‌کند که شمش سرقت شده است؛ در اینجا گرچه اول به نظر می‌رسد اصل بر عدم تقصیر وکیل است ولی با دقت بیشتر معلوم می‌شود که برعکس، اصل بر سرقت نشده بودن شمش است، حتی اگر ثابت شود که سارقی برای سرقت آمده بوده، اصل بر آن است که چیزی نبرده است. تضادی که به این ترتیب ایجاد و رفع می‌شود مقدمه ایجاد بحث حاضر شده است.

آنچه در مبحث تصدی به حمل و نقل درباره باقی ماندن ناخواسته مال در ید متصدی و تبدیل شدن ید امانی از خفیف به شدید گفته شد، در قانون مدنی معمولاً مورد بحث نیست چون در اینگونه موارد متصرف را موظف به تحویل مال به حاکم نموده و معمولاً آن قانون بحثی درباره وضعیت ید امانی او در فاصله قرار گرفتن یا باقی ماندن ناخواسته مال در ید او ننموده است. مسئله آن است که در صورت عدم دسترسی به حاکم، چنین شخصی هم مستحق مخارجی که برای نگهداری مال کرده است بوده و هم ظاهراً موظف به دادن حساب زمان تصدی خود به موکل نخواهد بود. علاوه بر آن، اگر فروشنده کالا جهت تحویل کالا با عدم امکان تحویل به مشتری به حاکم مراجعه کرده باشد و علی‌رغم مراجعه به حاکم، مبیع (با نظر حاکم) در ید او باقی مانده باشد، از زمان مراجعه به حاکم او مسئول تلف و نقص مبیع نخواهد بود؛ بنابراین قانون مدنی هم گرچه به طور تلویحی، اما ید امانی شدید را پیش‌بینی کرده است.

۱. بادینی، همان، ص ۶۶، سادات حسینی، سید حسن. «بررسی مبنای مسئولیت متصدی حمل و نقل جاده‌ای کالا در کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده (کنوانسیون سی. ام. آر.) و مقایسه آن با حقوق ایران و انگلیس.» مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲ (۱۳۸۴): ۲۳۷-۱۹۹، ص ۲۰۹.

اگر اینگونه باشد که هر جا مخارج نگهداری توسط امین قابل مطالبه باشد، دید او دید امانی شدید باشد، دید مستودع هم برخلاف دید مستعیر این چنین خواهد بود؛ زیرا باید میان مستودع که از او خواهش می‌شود تا مالی را به‌طور مجانی نگه‌دارد با مستعیر که خواهش می‌کند تا مالی را مجاناً مورد استفاده قرار دهد؛ تفاوت باشد.

به این ترتیب، برخلاف آنچه که معمولاً بدون توجه به این تفکیک فرض می‌شود،^۱ قانون‌گذار مانند آنچه در کامن‌لا^۲ معمول است، به‌عنوان یک قاعده سنتی^۳ اصل را بر دید امانی خفیف گذاشته و دید امانی شدید را استثنایی تلقی نموده است. در نتیجه، علی‌رغم نظر بعضی^۴ نمی‌توان گفت که طبق قواعد عام نیز اثبات خطای مدیر با مدعی ضرر است؛ زیرا اگر مدیر وکیل شرکت تلقی شود، به‌نحو فوق دید او نسبت به اموال شرکت امانی خفیف محسوب می‌گردد.

بدین ترتیب تردیدهایی هم که بعضی^۵ در مورد دید آخذ بالسوم مطرح کرده‌اند و در واقع منشأ آن تردیدها عدم تفکیک انواع دید امانی از یکدیگر بوده، به‌نفع امانی خفیف بودن دید آخذ بالسوم برطرف می‌شود. نه تنها در این مورد بلکه در طیف گسترده‌ای از موارد نظیر دید مرتهن نسبت به عین مرهونه و دید مستأجر نسبت به عین مستأجره نیز تردیدها برطرف می‌شوند. البته موضوع بحث در اینجا دید امانی و امانتداری امین در تحویل سالم و به‌موقع مورد امانت به‌اصیل است و در سایر موارد دید امانی مطرح نمی‌شود تا چگونگی آن هم موضوع بحث باشد. مثلاً آنگونه که در کامن‌لا^۶ نیز معمول است اگر دعوا بر سر داده‌شدن یا داده‌نشدن

۱. جنیدی، لعیا، و ملیحه زارع. «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت‌نشده شرکت.» *مطالعات حقوق تطبیقی* ۶، شماره ۱ (۱۳۹۴): ۸۵-۱۰۵، ص ۹۳.

2. Glusman, David H., and Gabriel D. M. Ciociola. *Accountants' Roles and Responsibilities in Estates and Trusts*. (Chicago: CCH, 2008). pp. 8-15.

3. Burke, Jr., D. Barlow. *Law of Real Estate Brokers*. (New York: Wolters Kluwer, 2016). pp. 10-18.

۴. اسکینی، ربیعا. *حقوق تجارت - شرکت‌های تجاری*. جلد ۲. (تهران: سمت، ۱۳۸۳). ص ۱۷۰.

۵. قاسم‌زاده، سید مرتضی، و علی خسروی. «مسئولیت مدنی آخذ بالسوم در فقه و قانون مدنی.» *فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی*، شماره ۴۱ (۱۳۸۶): ۷۲-۵۹، ص ۷۰.

6. Watt, op cit, p. 355.

مال به وکیل باشد، بدیهی است اصل بر آن است که مال مزبور به وکیل داده نشده است. همچنین است وقتی که اصیل برای مثال مدعی شود آنگونه که در کامن‌لا نیز معمول است^۱ البسه‌ای که در تصرف وکیل بوده بدون اجازه او (موکل) برای مدتی عاریه داده شده است.

۴. نحوه تقسیم مسئولیت در میان مسئولان متعدد

موضوع چگونگی ید امانی اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت توسط اغلب متخصصان^۲ مغفول مانده است. این موضوع حتی در مباحث دلالی و تصدی به‌حمل و نقل هم که مقررات آشکاری دارد مورد توجه اغلب متخصصان نبوده است.

مسئولیت ممکن است بر عهده مدیرعامل، عضوی از اعضای هیئت‌مدیره، چند نفر از آنها، همه اعضا یا همه اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل مستقر شده باشد. دلیلی وجود ندارد که گمان کنیم مسئولیت اعضای هیئت‌مدیره همیشه دسته‌جمعی است. همان‌طور که دلیلی ندارد که گمان کنیم هر جا اعضای هیئت‌مدیره مسئولند مدیرعامل هم مسئول است یا بالعکس. با این حال اگر چند نفر از اعضای هیئت‌مدیره مسئول بودند مسئولیتشان جمعی خواهد بود و آنگونه که دیگران^۳ هم ابراز نموده‌اند و علی‌رغم نظر بعضی^۴ دلیلی ندارد که گمان کنیم هر مسئولیت دسته‌جمعی، تضامنی است. به‌طور کلی مسئولیت تضامنی امری استثنایی است که استقرار آن نیاز به نص یا قرارداد دارد. پس اصل بر مسئولیت نسبی است؛ بنابراین وقتی تقصیر جمعی از اعضای هیئت‌مدیره باعث ورشکستگی شرکت شده باشد یا به دلیل تقصیر آنها دارایی شرکت بعد از انحلال برای پرداخت بدهی‌های شرکت کفایت نکند،

1. Morreim, E. Haavi. Holding the Health Care Accountable, Law and the New Media Marketplace. (New York: Oxford University Press, 2001). p. 229.

۲. خزاعی، همان، ص ۹۸.

۳. ستوده تهرانی (۱۳۴۷)، همان، ص ۱۷۱ و اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت، شرکت‌های تجاری. جلد ۱. (تهران: سمت، ۱۳۷۵). ص ۱۶۴ و حسنی، حسن. حقوق تجارت. تهران: میزان، ۱۳۸۰. ص ۳۰۰.

۴. کاتبی، همان، ص ۸۹ و صفی‌نیا، نورالدین. درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران. (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱). ص ۱۱۳.

مسئولیت آنها جمعی خواهد بود، مگر اینکه علی‌رغم نظر بعضی^۱ و آنگونه که بعضی^۲ نیز ابراز نموده‌اند، مورد تقصیر از مواردی باشد که در قانون یا به‌نحو دیگری برای آن مسئولیت تضامنی در نظر گرفته شده است. در اینجا منظور از «جمعی» آنگونه که در قانون نیز به کار رفته «اشتراکی» است و منظور «جمعی» به مفهوم اجتماع ذمه یک مسئول با ذمه مسئول دیگر آنگونه که بعضی^۳ مطرح کرده‌اند، نمی‌باشد.

در مسئولیت نسبی هم اصل بر مساوی بودن نسبت‌ها برای مسئولیت است، مگر اینکه دلیلی بر تفاوت نسبت‌ها وجود داشته باشد. مثلاً می‌دانیم که در شرکت تضامنی، بعد از انحلال شرکت، شرکا در مقابل طلبکاران شرکت متضامناً مسئول هستند و در روابط میان شرکا، مسئولیت به‌طور نسبی و به نسبت آورده هر شریک به مجموع آورده‌ها تقسیم می‌شود. البته آنگونه که بعضی^۴ نیز ابراز داشته‌اند، مسئولیت تضامنی فوق در مورد شرکای شرکت تضامنی بعد از انحلال شرکت است و گرنه مدیران شرکت‌های تضامنی هم اصولاً در صورت تخلف در مقابل شرکت و اشخاص ثالث، دارای مسئولیت نسبی به نسبت مساوی خواهند بود. البته علی‌رغم نظر بعضی^۵ اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل اصولاً نسبت به تخلفات یکدیگر مسئول نیستند.

۵. تطبیق ید امانی مدیران و مدیرعامل با انواع ید امانی

تردیدی نیست که تفکیک ید امانی خفیف از ید امانی شدید و شناسایی ید امانی خفیف به‌عنوان اصل و ید امانی شدید به‌عنوان استثنا، دارای کاربردهای فوق‌العاده در حقوق اعم از تجارت و مدنی و کاربرد اساسی در امر قضا خواهد بود.

۱. اسکینی (۱۳۷۵)، همان، ص ۱۶۴ و اسکینی (۱۳۸۳)، همان، ص ۱۷۲.

۲. پاسبان، همان، ص ۲۱۶.

۳. امیرمحمدی، محمدرضا، و عبدالرضا محمد حسین‌زاده. «مسئولیت جمعی». مقالات و بررسی‌ها ۴۰، شماره ۸۵ (۱۳۸۶): ۴۱-۵۸، ص ۵۶ و امینی، عیسی. «اجتماع مسئولیت متصدی حمل و نقل با ضمان مقصر نسبت به صاحب کالا». مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۳ (۱۳۷۹): ۹۸-۱۳۶، ص ۱۲۳.

۴. پاسبان، همان، ص ۴۰۸.

۵. ستوده تهرانی (۱۳۴۷)، همان، ص ۱۷۱؛ زنگنه، همان، ص ۱۴۴ و صفی‌نیا، همان، ص ۱۰۶.

قانون‌گذار در شرکت‌های با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی مدیر را وکیل شرکت به حساب می‌آورد. ظاهراً در قانون بخش تعاونی هم همین‌طور است. پس با توجه به بحثی که در فوق به عمل آمد، علی‌رغم نظر بعضی^۱، ید مدیر شرکت‌های مذکور در قانون تجارت و ید اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل در قانون بخش تعاونی امانی خفیف خواهد بود. آنگونه که بعضی^۲ نیز ابراز نموده‌اند در این امر تفاوتی نمی‌کند که اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل را نماینده قراردادی یا قانونی شرکت تلقی نماییم.

در لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ قانون‌گذار اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل را نماینده شرکت تلقی می‌کند و ذکری از وکالت به میان نمی‌آورد، ولی مسلماً مایه اصلی نمایندگی هم وکالت و نیابت است، پس در مقام شکک آنگونه که در کامن‌لا^۳ نیز معمول است اصل بر خفیف بودن ید امانی اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل در شرکت‌های سهامی عام و خاص نیز خواهد بود. ولی طبق انتظار بعضی^۴، قانون‌گذار در لایحه موارد زیادی از تقصیر و قصور اعضای هیئت‌مدیره را در قالب مقررات مدنی و کیفری ذکر نموده است. مثلاً در اصلی‌ترین مقرره‌ای که به مسئولیت مدیران اختصاص داده، آنان را در صورت تخلف از مقررات قانونی، مقررات اساسنامه و مصوبات مجامع عمومی مسئول دانسته است. لحن این مقرره لحن ید امانی شدید است، چون تحقیقاً برشمردن موارد تقصیر یا قصور برای جایی است که ید امانی شدید باشد و گرنه با خفیف بودن ید امانی، موارد مقصر نبودن است که باید برشمرده شود.

البته گرچه از این نظر قانون‌گذار لایحه رویه موافق با ید امانی شدید را در پیش گرفته، در مورد «موظف بودن اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل به دادن حساب به شرکت» موافق با

۱. ستوده تهرانی (۱۳۴۷)، همان، ۱۶۹.

۲. همان.

3. CBCL, Committee on Business and Corporate Litigation. *Annual Review of Developments in Business Corporate Litigation*. Chicago: American Bar Association, (2005). p. 616.

۴. ستوده تهرانی (۱۳۴۷)، همان، ص ۱۶۲.

رویه ید امانی شدید رفتار نشده، چون تأکید شده که هیئت مدیره هر شش ماه باید به مجمع عمومی گزارش بدهد و هر سال یکبار ترازنامه، حساب سود و زیان، حساب دارایی و دیون و حساب عملکرد شرکت به همراه گزارش مدیران به مجمع عادی سالیانه شرکت ارائه گردد. یعنی نه تنها قانون گذار اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل را مثل هر وکیل دیگری و آنگونه که دیگران^۱ هم ابراز نموده اند مثل مدیران سایر شرکت ها، موظف به دادن حساب دوره عملکرد خود دانسته، بلکه چگونگی گزارش حساب ها و دوره ارائه آن ها را نیز مشخص نموده است. همچنین هم در شرکت سهامی عام و هم در شرکت سهامی خاص بازرس هم موظف به دادن گزارش در این موارد است و فقط در شرکت سهامی عام، اظهار نظر حسابدار رسمی هم در باره ترازنامه و حساب سود و زیان و اینکه این دو مدرک وضعیت شرکت را به طور صحیح و روشن نشان می دهند، باید به مدارک فوق ضمیمه شود.

وقتی در شرکت سهامی عام، ترازنامه و حساب سود و زیان توسط بازرس و حسابدار رسمی تأیید شده و وقتی در شرکت سهامی خاص ترازنامه و حساب سود و زیان به تأیید بازرس شرکت رسیده باشد، خیلی کم احتمال دارد که مجمع عمومی ترازنامه و حساب سود و زیان را تأیید نکند. پس وقتی این دو تأیید شد (در شرکت های مشمول قانون تجارت چنین تأییدی صراحتاً مطرح نیست)، لاجرم بابت آن سال مالی اعضای هیئت مدیره دارای مفصاحساب خواهند بود. با داشتن مفصاحساب علی رغم نظر بعضی^۲ اصل بر آن خواهد بود که آنان از بابت ترازنامه و حساب سود و زیان مسئول نیستند، مگر اینکه مقصر بودن آنها ثابت شود یا آنگونه که بعضی^۳ ابراز نموده اند، مصوبه مجمع عمومی در تأیید ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت باطل گردد. یعنی مثل آن است که بدین ترتیب اماره سازی شده و نسبت به سال های مالی دارای مفصاحساب، ید اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل امانی شدید فرض می شود. در واقع در این محدوده، تا پایان سال مالی و مطرح شدن ترازنامه و حساب

۱. زنگنه، همان، ص ۷۹.

۲. ستوده تهرانی (۱۳۴۷)، همان، ص ۱۶۸.

۳. همان، ص ۱۷۰.

سود و زیان صبر می‌شود، اگر آن حساب‌ها به تأیید مجمع عمومی برسند در مورد آنها فرض می‌شود که ید اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل امانی شدید است.

البته علی‌رغم نظر بعضی^۱، انحلال یا ورشکستگی شرکت لازمه مطالبه خسارت از اعضای هیئت‌مدیره یا مدیرعامل نمی‌باشد. حتی صبر کردن تا پایان سال مالی نیز از باب امکان جمع‌بندی حساب‌ها است، و گرنه وقتی اعضای هیئت‌مدیره یا مدیرعامل تصمیمی می‌گیرند یا اقدامی می‌کنند که فارغ از رسیدگی به حساب‌ها تخلف آشکاری در آنها وجود دارد، فوراً می‌توان برای جلوگیری از آنها یا مطالبه جبران خسارات ناشی از آنها اقدام نمود.

اول به نظر می‌رسد تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان، ربطی به موارد فراتر از آنها (ترازنامه و حساب سود و زیان) ندارد و ید اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل مطابق اصل امانی خفیف است؛ یعنی مثلاً اگر اعضای هیئت‌مدیره تصمیمی خارج از موضوع شرکت گرفته و اجرای آن را از مدیرعامل بخواهند و او اجرا کند یا اعضای هیئت‌مدیره برخلاف منع اساسنامه، تصمیم به استخدام افراد بگیرند و مدیرعامل تصمیم آنها را اجرا کند یا هیئت‌مدیره علی‌رغم منع مجمع عمومی، تصمیم به فروش مال معینی بگیرد و مدیرعامل آن را اجرا کند، در این موارد اصل بر مسئولیت آنها است مگر اینکه بی‌تقصیری را ثابت نمایند. در شرکت‌های تعاونی هم ظاهراً این رویه تکمیلی جریان پیدا می‌کند. ولی واقعیت آن است که مفصاحسابی که با تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان داده می‌شود، برای همه موارد است و به همین دلیل است که به محض داده شدن مفصاحساب، سهام وثیقه نسبت به آن سال مالی آزاد می‌شود. پس با تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان و آزاد شدن سهام وثیقه، به‌طور کلی اصل بر عدم مسئولیت اعضای هیئت‌مدیره (پاک‌دست بودن آنها) است و ید اعضای هیئت‌مدیره برای سال‌های مورد تأیید ید امانی شدید تلقی می‌شود. این امر بدون تردید به مدیرعامل هم تسری پیدا می‌کند.

همانگونه که گفته شد تصویب اساسنامه و حساب سود و زیان دعوا علیه اعضای هیئت‌مدیره یا مدیرعامل مربوط را غیرقابل استماع نمی‌کند، فقط از آن پس کسی که تقصیر

۱. اسکینی (۱۳۸۳)، همان، ص ۱۷۱.

آن اعضا یا مدیرعامل را مطرح می‌کند، مدعی بوده و بار دلیل بر دوش او خواهد بود. در این مورد علی‌رغم نظر بعضی^۱، مدعی می‌تواند مجمع عمومی شرکت یا حداقل یک پنجم صاحبان سهام باشند، اعم از اینکه شرکت کنندگان در این امر از موافقان یا مخالفان تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان تصویب شده فوق باشند؛ بنابراین وقتی اعضای هیئت مدیره شرکت سهامی بعد از تمام شدن مدت عضویتشان تا انتخاب شدن جانشین برای آنها ادامه تصدی داده و ناخواسته در اموال شرکت تصرف می‌نمایند، باید ید آنها امانی شدید تلقی شود.

همچنین وقتی اعضای هیئت مدیره یا مدیرعامل با شرکت معامله کرده باشند، با تصویب آن معامله توسط مجمع عمومی مثل آنست که به آنان مفاصاحساب در این مورد داده شده است. در نتیجه به نظر می‌رسد آنگونه که در کامن‌لا^۲ هم تمایل به آن وجود دارد، از این پس بار اثبات تقصیر عضو هیئت مدیره یا مدیرعامل معامله کننده با شرکت، به دوش مدعی باز می‌گردد در حالی که قبل از این، صرف معامله آنان با شرکت تقصیر محسوب می‌شد.

مشابه حالت کلی فوق را در مقررات مربوط به تصدی به حمل و نقل ملاحظه می‌کنیم، به نحوی که وقتی مرسل‌الیه محموله را بدون هیچ قیدی قبول و کرایه را تحویل می‌دهد، اصل بر آن قرار می‌گیرد که متصدی حمل و نقل کاملاً با رعایت امانت‌داری محموله را حمل نموده، بنابراین از این پس مثل آن است که فرض می‌شود ید او امانی شدید است مگر اینکه آن چنان که قانون مقرر نموده، ثابت شود که متصدی مرتکب تدلیس یا تقصیر عمده شده یا عیبی به محموله وارد کرده که غیرظاهر بوده است؛ بنابراین نسبت به عیوب ظاهر و موارد آشکار، اصل بر آن است که یا عیب و نقصی وجود نداشته یا اگر هم وجود داشته، مرسل‌الیه از آنها گذشت نموده است. در نتیجه در آن موارد حتی مطابق قانون، دعوا مسموع نخواهد بود. البته علی‌رغم نظر بعضی^۳ بعید است که بتوان مسموع نبودن دعوا را به مورد تصویب

۱. ستوده تهرانی (۱۳۴۷)، همان، ص ۱۷۳.

2. Conard et al., Alfred. International Encyclopedia of Comparative Law, Volume XIII: Business and Private Organizations. (The Hague: Martinus Nijhoff Publishers, 1985). p. 47

3. زنگنه، همان، ص ۱۴۲.

ترازنامه و حساب سود و زیان هم تسری داد؛ زیرا موارد مسموع نبودن دعوا به صورت حصری توسط قانون‌گذار تعیین می‌شوند، ضمن اینکه تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان برخلاف مطرح نکردن عیب ظاهر معمولاً با اکثریت در مجمع عمومی انجام می‌شود و بدیهی است که برای اعتراضات احتمالی اقلیت در آن مجمع باید راهی باقی گذاشت. باز اینکه حتی در مورد تصدی به حمل و نقل هم قانون‌گذار علی‌رغم غیرقابل استماع دانستن عیوب ظاهر، دعوای مربوط به عیوب غیرظاهر را مجاز دانسته است.

در هر حال، ایرادی به نظر نمی‌رسد که طرفین یک رابطه امانی با هم توافق نموده و ید امانی خفیف را به شدید یا ید امانی شدید را به خفیف مبدل نمایند.

نتیجه

تقسیم ید امانی به خفیف و شدید نتیجه‌ای است که از تلفیق مراحل ثبوت و اثبات و به عبارتی از تلفیق ادله اثبات دعوا با حقوق تجارت حاصل می‌شود و همانگونه که در متن مقاله ملاحظه شد، مقررات آشکاری برای آن در قانون تجارت در مباحث مربوط به دلالی و تصدی به حمل و نقل و در سایر قوانین مرتبط وجود دارد. بدیهی است تعیین چگونگی ید اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل می‌تواند به مسائل گوناگونی در مورد چگونگی مسئولیت آنان پاسخ دهد. تفکیک ید امانی به خفیف و شدید و اصل قرارداد ید امانی خفیف نیز در این مورد راهگشاست و در اولین گام می‌تواند مشخص کند که مدیران یا مدیرعامل، مدعی دعوای مسئولیت هستند یا مدعی علیه آن.

بدیهی است ید امانی شدید که در آن مسئولیت همچنان مبتنی بر تقصیر است، نباید با ید ضمانی که در آن مسئولیت مبتنی بر تقصیر نیست، اشتباه گرفته شود گرچه ید امانی قابل تبدیل شدن به ید ضمانی است و با تمسک به اصل تأخر حادث لحظه این تبدیل را می‌توان مشخص نمود. ید امانی خفیف از جمله ید آخذ بالسوم، ید مرتهن و ید مستأجر هم ممکن است به دلیل ماندن ناخواسته مال در ید امانی، به ید امانی شدید تبدیل شود؛ آنگونه که در تحویل گرفته نشدن محموله از متصدی حمل و نقل، تعیین نشدن جانشینان اعضای هیئت‌مدیره با انقضای مدت سمت آنها یا در اعمال حق حبس متصدی حمل و نقل، مشاهده می‌کنیم. در

واقع اینکه فقط بدانیم مسئولیت مدیران و مدیرعامل مبتنی بر تقصیر است کافی برای پاسخگویی به مسائل مربوطه نبود.

تحلیل تحقیقی فوق نشان داد که قانون‌گذار ید امانی و کیل (یا نماینده) را اصولاً ید امانی خفیف تلقی می‌کند؛ یعنی وکیل در مورد مالی که به او سپرده شده است مسئول است مگر اینکه بی‌تقصیری خود را ثابت کند؛ بنابراین قانون تجارت نیز ید مدیر بر اموال مختلف شرکت اعم از با مسئولیت محدود، تضامنی، نسبی، مختلط سهامی و مختلط غیرسهامی را ید امانی خفیف تلقی کرده است. در لایحه اصلاحی ۱۳۴۷ و قانون بخش تعاونی نیز علی‌رغم ناهماهنگی‌هایی که در لایحه اصلاحی به نظر می‌رسد، اصولاً قانون‌گذار نظر خود را در مورد ید اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل به ید امانی شدید ارتقا نداده، ولی حسابرسی و مفصاحساب سالیانه امکان اعمال ید امانی خفیف را مختل نموده است؛ به‌نحوی که بعد از حسابرسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان هر سال، برای آن سال ید اعضای هیئت‌مدیره و مدیرعامل امانی شدید محسوب می‌شود؛ یعنی آنها در مورد آن سال پاکدست فرض می‌شوند، مگر اینکه نادرستکاری و مقصر بودن آنها ثابت شود. این امر قابل تسری به شرکت‌های مندرج در قانون تجارت نیز خواهد بود. در صورت تعدد مسئولان، مسئولیت به‌صورت نسبی و در نبود دلیل مخالف، آن نسبت به‌طور مساوی خواهد بود.

منابع

- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت - شرکت های تجاری. جلد ۲. (تهران: سمت، ۱۳۸۳).
- اسکینی، ربیعا. حقوق تجارت، شرکت های تجاری. جلد ۱. (تهران: سمت، ۱۳۷۵).
- اسکینی، ربیعا و الهام الدین شریفی. «تحلیل اختیارات مدیران شرکت های سهامی با توجه به مبانی رابطه مدیران با شرکت در نظام های حقوقی ایران و انگلیس». مدرس ۴، شماره ۴ (۱۳۷۹): ۱-۱۵.
- امیر محمدی، محمدرضا و عبدالرضا محمد حسین زاده. «مسئولیت جمعی». مقالات و بررسیها ۴۰، شماره ۸۵ (۱۳۸۶): ۴۱-۵۸.
- امینی، عیسی. «اجتماع مسئولیت متصدی حمل و نقل با ضمان مقصر نسبت به صاحب کالا». مجله حقوقی دادگستری، شماره ۳۳ (۱۳۷۹): ۹۸-۱۳۶.
- اندرز، داوود، مهدی منتظر، و فرزاد مسعودی. «مسئولیت متصدی حمل و نقل دریایی در قبال مسافر در حقوق ایران (با مطالعه تطبیقی)». دانش حقوق مدنی، ۱۳۹۱: ۷۵-۸۳.
- ایزائلو، محسن و افروز صمدی. «مبانی مسئولیت متصدی حمل و نقل در حقوق ایران و کنوانسیون های بین لمللی (س ام آر - ورشو)». پژوهشنامه حمل و نقل ۱۰، شماره ۴ (۱۳۹۲): ۳۹۱-۴۰۰.
- بادینی، حسن. «مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی غیر قراردادی متصدی حمل و نقل هوایی». فصلنامه حقوق ۴۰، شماره ۳ (۱۳۸۹): ۵۷-۸۶.
- پاسبان، محمدرضا. حقوق شرکت های تجاری. (تهران: سمت، ۱۴۰۱).
- جنیدی، لعیبا و ملیحه زارع. «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران؛ تحلیل مسئولیت مدیران شرکت های سرمایه در قبال دیون پرداخت نشده شرکت». مطالعات حقوق تطبیقی ۶، شماره ۱ (۱۳۹۴): ۸۵-۱۰۵.
- حسنی، حسن. حقوق تجارت. (تهران: میزان، ۱۳۸۰).
- خزاعی، حسین. حقوق تجارت - شرکت های تجاری - تطبیق اجمالی با لایحه اصلاحی ۱۳۸۴. جلد ۲. (تهران: نشر قانون، ۱۳۸۵).

زنگنه، عبدالحمید اعظمی. حقوق بازرگانی. (تهران: بی نام، ۱۳۵۳).

سادات حسینی، سید حسن. «بررسی مبنای مسئولیت متصدی حمل و نقل جاده‌ای کالا در کنوانسیون قرارداد حمل و نقل بین‌المللی کالا از طریق جاده (کنوانسیون سی. ام. آر.) و مقایسه آن با حقوق ایران و انگلیس». مجله تحقیقات حقوقی، شماره ۴۲ (۱۳۸۴): ۱۹۹-۲۳۷.

ستوده تهرانی، حسن. حقوق تجارت. جلد ۲. (تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۷).

ستوده تهرانی، حسن. حقوق تجارت. جلد ۴. (تهران: انتشارات دهخدا، ۱۳۵۰).

سماواتی، حشمت‌الله. حقوق تجارت ج ۱. جلد ۱. (تهران: نشر میزان، ۱۳۷۸).

صفی‌نیا، نورالدین. درآمدی بر قانون شرکت‌های تجاری در ایران. (تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۸۱).

طارم‌سری، مسعود. حقوق بازرگانی بین‌المللی. (تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی، ۱۳۷۷).

عرفانی، محمود. حقوق تجارت (اعمال تجاری، تجار، دفاتر تجاری، قراردادهای تجاری، برات، سفته، چک). جلد ۱. (تهران: ماجد، ۱۳۶۹).

عیسی تفرشی، محمد. مباحثی تحلیلی از حقوق شرکت‌های تجاری. جلد ۱. (تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۸).

قاسم‌زاده، سید مرتضی، و علی خسروی. «مسئولیت مدنی «آخذ بالسوم» در فقه و قانون مدنی». فصلنامه دیدگاه‌های حقوقی، شماره ۴۱ (۱۳۸۶): ۵۹-۷۲.

کاتبی، حسینقلی. حقوق تجارت. (تهران: گنج دانش، ۱۳۷۵).

کاتوزیان، ناصر. قواعد عمومی قراردادهای، اجرای قرارداد. جلد ۴. (تهران: شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۷).

کاویانی، کورش. حقوق شرکت‌های تجاری. (تهران: نشر میزان، ۱۳۸۶).

References

Burke, Jr., D. Barlow. *Law of Real Estate Brokers*. New York: Wolters Kluwer, 2016.

- CBCL, Committee on Business and Corporate Litigation. *Annual Review of Developments in Business Corporate Litigation*. Chicago: American Bar Association, 2005.
- Conard et al., Alfred. *International encyclopedia of Comparative Law, Volume XIII: Business and Private Organizations*. The Hague: Martinus Nijhoff Publishers, 1985.
- Dorfman, Avihay. "On Trust and Transubstantiation: Mitigating the Excess of Ownership." In *Philosophical Foundations of Fiduciary Law*, by Andrew S. Gold and Paul B. Miller, 339-363. (Oxford: Oxford University Press, 2014).
- Glusman, David H., and Gabriel D. M. Ciociola. *Accountants' Roles and Responsibilities in Estates and Trusts*. (Chicago: CCH, 2008).
- litman, Moe M. "Fiduciary Law and For-Profit and Not-For-Profit Health Care." In *Health Care Reform and the Law in Canada*, by Timothy A. Caulfield and Barbara von Tigerstorm, 85-131. (Alberta: The University of Alberta Press, 2002).
- Morreim, E. Haavi. *Holding the Health Care Accountable, Law and the New Media Marketplace*. (New York: Oxford University Press, 2001).
- Richardson, Benjamin J. *Fiduciary Law and Responsible Investing in Nature's Trust*. (New York: Routledge, 2013).
- Watt, Gary. *Trusts & Equity*. (Italy: Oxford University Press, 2013).

Translated References into English

- Amini: Isa. "Gathering the responsibility of the transport operator with the guarantee of guilt towards the owner of the goods". *Legal Journal of Justice*, No. 33 (2000): pp. 98-136. [In Persian]
- Amirmohammadi, Mohammad Reza, and Abdolreza Mohammad Hosseinzadeh. "Collective Responsibility", *articles and reviews* 40, No. 85 (2007): pp. 41-58. [In Persian]
- Andarz, Davood, Mehdi Montazer, and Farzad Masoudi. "Responsibility of the operator of maritime transportation

- for passengers in Iranian law (with comparative study)" *Civil rights knowledge*: (2012), pp. 75-83. [In Persian]
- Baadini, Hassan. "Comparative study of non-contractive civil liability of aviation operator." *Quarterly Journal of Law* 40, No. 3 (2010): pp. 57-86. [In Persian]
- Erfani, Mahmoud. *Trade law (trade practices, merchants, commercial note books, commercial contracts, bill of exchange, promissory note, cheque)*. Volume 1. (Tehran: Majed, 1990). [In Persian]
- Eskini, Rabia. *Business Law, Commercial Companies*. Volume 1. (Tehran: Samt, 1996). [In Persian]
- Eskini, Rabia. *Trade Law - Commercial Companies*. Volume 2. (Tehran: Samt, 2004). [In Persian]
- Eskini, Rabia, and Elhamuddin Sharifi. "Analysis of the powers of managers of joint stock companies according to the principles of managers' relationship with company in the legal systems of Iran and the United Kingdom", *Modarres* 4, No. 4 (2000): pp. 1-15. [In Persian]
- Farazandemehr, Alireza. *Explaining trade law*. (Tehran: Javdaneh Publications, 2017). [In Persian]
- Ghasemzadeh, Seyed Morteza, and Ali Khosravi. "Civil liability of possessing customer in Jurisprudence and Civil Law.", *Quarterly Journal of Legal Views*, No. 41 (2007): pp. 59-72. [In Persian]
- Hasani, Hasan. *Trade Law*. (Tehran: Mizan, 2001). [In Persian]
- Isaa Tafreshi, Muhammad. *Analytical discussions of the rights of commercial companies*. Volume 1. (Tehran: Tarbiat Modares University Press, 1999). [In Persian]
- Izanloo, Mohsen, and Afrooz Samadi. "The basis for the responsibility of the transportation operator in Iranian law and international conventions (CMR - Warsaw)" *Transportation Research Journal* 10, No. 4 (2013): pp. 391-400. [In Persian]
- Joneidi, Laya, and Malihe Zare. "Applying the rule of unveiling of legal personality on managers; analyzing the responsibility of capital companies managers for unpaid

- debts of the company." *Comparative Law Studies* 6, No. 1 (2015): pp. 85-105. [In Persian]
- Katebi, Hoseingholi. *Trade Law*. (Tehran: Ganj Danesh, 1996). [In Persian]
- Katuzian, Naaser. *General rules of contracts, implementation of contracts*. Volume 4. (Tehran: Publishing Joint Stock Company, 2008). [In Persian]
- Kaaviaani, Kurosh. *The law of commercial companies*. (Tehran: Mizan Publications, 2007). [In Persian]
- Khaza'i, Hosein. *Trade Law - Commercial Companies - Overview with amended bill 2005*. Volume 2. (Tehran: Ghanun Publishing, 2006). [In Persian]
- Paasbaan, Mohammad Reza. *Law of commercial companies*. (Tehran: Samt, 2006). [In Persian]
- Saadaat Hoseini, Seyed Hasan. "Investigation of the basis of responsibility of the operator of the road transport of goods in the Convention on the International Transport of Goods by Road (CMR Convention) And comparing it with the Law of Iran and the United Kingdom." *legal research journal*, No. 42 (2005): pp. 199-237. [In Persian]
- Safinia, Nouredin. *Introduction to commercial enterprise law in Iran*. (Tehran: University of Tehran Press, 2002). [In Persian]
- Samaavaati, Heshmatullah. *Trade Law*. Volume 1. (Tehran: Mizan Publications, 1999). [In Persian]
- Shahidi, Mehdi. "Collision of civil and trade law on transportation contract" *Journal of the Faculty of Law of Shahid Beheshti University* 2, No. 1 (1985): 64-70. [In Persian]
- Sotoudeh Tehrani, Hasan. *Trade Law*. Volume 2. (Tehran: University of Tehran Press, (1968). [In Persian]
- Sotoudeh Tehrani, Hasan. *Trade Law*. Volume 4. (Tehran: Dekhoda Publications, 1971). [In Persian]
- Taaromsari, Masoud. *International Commercial Law*. (Tehran: Commercial Publishing Company, 1998). [In Persian]
- Yazdani, Gholamreza. *Trade Law 1: Analytical review of trade law regulations, trader, business transactions and trading*.

(Tehran: Majd Scientific and Cultural Forum, 2018). [In Persian]

Zanganeh, Abdul Hamid Azami. *Commercial Law*. (Tehran: Nameless, 1974). [In Persian]

استناد به این مقاله: قلی زاده منقوئی، احد. (۱۴۰۲). تحلیل حقوقی چگونگی ید امانی اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل بر اموال شرکت سهامی، پژوهش حقوق خصوصی، ۱۲(۴۵)، ۱۱۹-۱۴۸. doi: 10.22054/jplr.2024.69379.2704



Private Law Research is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.

